

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یکشنبه ۲ خرداد ۱۳۱۶

بهرت مطالب

۲) دوله دستور جلسه بعد - غنم جلسه

۱) تصویب صورت مجلس
۲) به شور اول لایحه راجع به دفاتر اسناد رسمی

(مجلس يك ساعت و سه ربع بظاهر مانده بر بابت (نایب رئیس) تشکیل گردید)

صورت مجلس یکشنبه ۲۶ اردیبهشت را آقای مهندس احمدی (منشی) قرائت نمودند

[۱ - تصویب صورت مجلس]

هفتم مطرح است . ماده هفت

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده هفتم - مشاغل ذیل منافی شغل سر دفتری و دفتری باری است

۱ - استخدام دولتی و شهر داری در حین اشتغال به خدمت

۲ - نمایندگی مجلس شورای ملی

۳ - وکالت در عدلیه

۴ - تصدی بهر نوع تجارت و کسب و هر نوع دلالتی

۵ - عضویت در هیئت مدیره شرکت های تجاری و

مؤسسات استعراضی و بیمه

لایپ رئیس - در ماده هفت نظری نیست ؟ (گفته شد -

خیر) ادامه هشتم

لایپ رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟

گفته شد - خیر (صورت مجلس تصویب شد . شور دوم

درجه وزارت عدلیه راجع بترجمه اسناد و نوشتجات

مطرح است . آقای اعتبار

اعتبار - بلایه تقاضا میکنم ابتدا این لایحه از دستور

خارج شود و لایحه دفاتر اسناد رسمی را که مقداری از

مواد آن هم خوانده شده است مطرح شود

لایپ رئیس - مخالفی نیست ؟

جمعیت ازمایندگان - خیر

[۲ - بقیه شور اول لایحه راجع بدفاتر اسناد رسمی]

لایپ رئیس - لایحه راجع بدفاتر اسناد رسمی از ماده

این مذاکرات مشروح صد و چهارمین جلسه از دور دوم تقابله (سابقه قنون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تدوین نویسی و تحریر صورت مجلس

تذکره اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائب با اجازه : آقای حسن - سیسی

غائبین بر اجازه - آقایان : سلطان - وادور - دکتر ادهم - موسی سرآت - حاج شیر - ملک مدنی - صدیق

در آمدگان با اجازه - آقایان : کرکلی - مصطفی - دکتر سیسی - لفرانی - الفی

ماده ۸ - اشخاص ذیل ممکن است بدو یا سه سر دفتری درجه اول انتخاب شوند

۱ - کسانی که دارای دانش نامه لیسانس در علم حقوق هستند یا دانشنامه سابقه تصدی بدفتر اسناد رسمی یا وکالت عدلیه

۲ - کسانی که دارای دانشنامه لیسانس از دانشکده معقول و منقول در قسمت منقول هستند یا دانشت چهار سال سابقه تصدی بدفتر اسناد رسمی یا وکالت عدلیه یا سه سال سابقه اجازات

۳ - اشخاصی که از مراجع تقلید دارای تصدیق اجتهاد میباشند یا چهار سال سابقه تصدی بدفتر اسناد رسمی یا سه سال سابقه اجازات

۴ - اشخاصی که لا اقل پنج سال متوالی با هفت سال متناوب خدمت قضائی کرده اند از متظربین خدمت یا متقاعدین مشروط بانکه سلب صلاحیت قضائی از آنها بقدر باشد

۵ - اشخاصی که هشت سال متوالی سابقه تصدی اسناد رسمی داشته و محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا نداشته باشند

۶ - اشخاصی که پروانه درجه اول وکالت عدلیه را دارا میباشند

۷ - کسانی که صلاحیت آنها برای سر دفتری درجه اول تا یکسال از تاریخ اجرای این قانون از طرف وزیر عدلیه تشخیص شود

لایحه رئیس - آقای عراقی

عراقی - بند در این قسمت ۳ از ماده ۸ تصور میکنم باینکه آقای وزیر عدلیه میل دارند ترویج علم کرده باشند و خودشان هم از علما حقوقدند بنده غیال میکنم تقریباً عدلیه ایران حقوقش حقوق لیسانس است و شایع تر فقهیه هم عربی قانون مدنی است که داده شده آنوقت برای این اشخاصی که از مراجع تقلید دارای تصدیق اجتهاد هستند اینطور نوشته شود که سه سال سابقه

اجازات بنده غیال میکنم زیاد است و در سال بنده در اینجا پیشنهاد کرده ام و لجال میکنم که اینها هم واکلت کنند. بک کسی که زحمت کثیده و خودی را بدرجه اجتهاد رسانیده و حقوق اسلامی را هم میداند این را باید باار مهربانی کرد که دو سال سابقه اجازات بیشتر برای او قائل نموده و پیشنهادی هم نمیده کرده ام و تقدیم می کنم.

لغات (معتبر کمپسون) - عرض کنم انشاءاً این قسمت کامل و موافقت با نظر آقا دارد و ذکر این سابقه از نظر این بوده است که این شخص علاوه بر سوابق علمی که دارد آشنا بچرخان اداري و شرفیهات دفتر اسناد رسمی هم بود و معذرت پیشنهاد فرموده این دو کیسیون مورد مطالعه قرار می دهیم.

لایحه رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - همانطور که آقای عراقی فرمودند خصوصاً در این قانون آقای وزیر عدلیه خیلی نظر داشتند که معامولات را اهمیت بدهند امتیاز فنی و امتیاز علمی را رعایت کنند حتی ملاحظه میفرمایند در نظر گرفتند اشخاصی که از دانشکده معقول و منقول در قسمت معقول دارای تصدیق میشوند آنها را هم حق داده است چرا؟ برای اینکه آنها هم دارای معامولات هستند درس خوانده اند در مدرسه تحصیل کرده اند و تا به حال برای آنها حقوقی منظور نشده بود و اولاً هم بک بیاضی بود بک اشخاصی میرفتند چند سال تحصیل میکردند و برای آنها حقوقی منظور نموده بود این است که آقای وزیر عدلیه در نظر گرفتند که آنها که از دانشکده معقول و منقول دارای تصدیق هستند آنها هم بتوانند دفتر داشته باشند همچنین در قسمت های دیگر رعایت های علمی شده است اما نکته که فرمودند در کیسیون بنده این نظر را دارم بک نظر دیگری هم بنده داشتم چون اینجا نوشته شده است اشخاصی که از مراجع تقلید مجازند چهار سال سابقه دفتر یا سه سال سابقه قضاوت داشته باشند بنده عرض کردم

هیچکدام از مزایای سابقه را نداشته باشد یا اختیار آقای وزیر عدلیه را کنار شده است که سر دفتری را باو بدهند بنظر بنده برخلاف نظر بک آقای مؤید این فقره جهت اسلا زائد است اگر مایل ملاکی برای بک کارهای قرار بدهیم بکارها باید طوری تنظیم کنیم که تطبیق کند با اشخاصی که استحقاق دارند و اگر تطبیق نکرد بکنند دیگر آنوقت اشخاصی که این شرایط را ندارند آقای وزیر عدلیه اختیار داشته باشند یکی را بیابند و سر دفتری باو بدهند این معنیست چیست بنظر بنده فقره ۷ مورد ندارد و زائد است چون میدان آقای وزیر عدلیه حسن نیت دارند و بنده هم ایشان ارادت دارم این مطلب را عرض کردم.

فرلر علییه - اولاً جواب اشکالی را که آقا فرمودند عرض کنم اینکه فرمودند پنجسال متوالی یا هشت سال متناوب سابقه قضاوت داشته باشد وجه فرق دارد که پنجسال متوالی هشت سال متناوب یا کمتر داشته باشد اولاً خواستم خاطرشان را متذکر کنم که این شرایط سر دفتری درجه اول است صرف اینکه تصدی دفتر باشد نیست تصدیق بمقرره ادواریه الزامی که مطابق این قانون برای سر دفتر درجه اول قائل شده و این لازم است کسی که تصدیق این شغل واقع میشود و این از حیث علمیت خیلی مقام عالی داشته باشد یا از حیث عمل این حق و سه مربوط باشخاصی است که ان درجست علمی را ندارند اگر لیسانسیه دانشکده حقوق یا دانشکده معقول و منقول باشد البته معقول شوق و

سه نی خود پس وقتی مقام علمی را نداشته باشد باید در عدل اینقدر کار کرده باشد که جبران کند آن قسمت را و تصدیق هم بفرماید که بین خدمت متناوب و متوالی هم فرق است چون بک کسی ممکن است دو ماه امروز تصدی باشد و بعد شش ماه قضاوت بدهد کند بعد دو ماه دیگر اشتغال پیدا کند بعد آن تجربیات علمی که در دوام دارد داشته است معوجه میشود البته با آن کسی که خدمت متوالی کرده است فرق دارد و در قانون استخدام هم این قسمت پیش بینی شده در ابتدای قانون استخدام گفته شده که هیچیک از آنها را دارا نباشند اگر چنانچه کسی باشد که

مشاهده می‌شد که پنجسال منوالی با هشت سال متناوب خدمت کرده اند مشمول می‌شوند. و اما ایرادی که راجع بقی ۷ فرمودند آن را بنده اینجا اظهار میکنم که بنده تقاضای همچو اختیاری از کمیسیون نکردم آقایان اعضاء کمیسیون خودشان در نظر گرفته که يك همچو اختیاری بمن داده شود و دلیلی را که فرمودند بنده قانع عدم والا من هیچوقت طالب این اختیاری نیستم. و علتی که ذکر شد و بنده قانع شدم این بود که گفته شد چون این قانون دفتر يك مرتبه در دستور اجرا ندهد و اشخاصی هستند که مزایای علمی دارند ولی سابقه شان که است همانطور که آقای مؤید احمدی هم توضیح دادند آن فقره ۲ برای دفع این اشکال ذکر شد و الا بنده داوطلب آن اختیار بودم و اگر هم حذف شود بنده عذر نمی‌دارم و قول هم میدهم به آقایان اگر این قسمت هم تصویب شود بدین ترتیب این را در مورد اشخاصی اجرا خواهم کرد که واقعا مزایای علمی دارند اینک برای هر کس که واجد مزایای علمی نباشد و اگر میخواستم آنطور عمل کنم اصلا قانون نمی آوردم و با وضعیت فعلی دست بند باز فر بود.

مجتبر - بنده عرض مفصلی نداشتم جز راجع به آقامت اختیارات آقای وزیر عدلیه است که ایشان با حذف آف موافقت فرموده اند بنده بنام کمیسیون با حذف آن مخالفم انشالله من این است که در تمام کشور قانون انتفاع دفتر استاد رسمی در یک تاریخ اجرا شده در مرکز ۱۳۰۷ شروع شد و در حقیقت اجرای رسمیه در ۱۳۰۹ بود در ایالات و ولایات بعد از این تاریخ شروع شده بود گفت که در مان یا خراسان یا آذربایجان يك دفتر دار مجاز از مراجع تقلید پیدا نمی شود یا شخص صالحی برای اداره کردن دفتر پیدا نمیشود این است که چون در نقاط مختلف کشور در تاریخ مختلف اجرا شده است و اشخاص صالح هم هستند که وزارت عدلیه هم آنها را خوب می‌شناسد این است که این اجازه داده شده که از بین این اصحاء

(چون ما با هر مقام علمی يك سابقه هم قائل شده ایم و سال و سه سال و بیشتر) اشخاصی را که تشخیص میکنند صالح هستند آنها را بر سر دفتری درجه اول انتخاب کنند مثلاً فرض بفرمایید در آذربایجان ممکن است کسی پیدا شود که هیچ سابقه دفتری ندارد اما حقیقتا صالح برای ابتکار است باید آنها را مجبور کرد و بنام سابقه اشخاصی را آورد که صلاحیتشان درون صلاحیت آنها باشد باین جهت این اختیار داده شده و کمیسیون هم با حذف آن مخالف است

لایح رییس - آقای حیدری

حیدری - در ماده ۹ فقره ۴ میفرماید: اشخاصی که دارای دانشنامه لیسانس در علم حقوق یا دانشکده علوم معقول و منقول در خدمت منقول و ادارای تصدیق اجتهاد از مراجع تقلید باشند. خطای عزم آقای وزیر عدلیه مستحضر است که دانشنامه لیسانس در ولایات که وجود ندارد تنبأ در مذهب اهل تسنن درجه اجتهاد یکی از چندین صد سال پیش شده است پس در این صورت بنده پیشنهادی نوشته ام که در این بند ماده ۹ درج شود مفتی یا مدرس

مجتبر - البته در کمیسیون مذاکره خواهد شد ممکن است آقای حیدری هم در کمیسیون تشریف بیاورند که این موضوع را توضیح بفرمایند تا به طالب قدری بیشتر حل شود.

لایح رییس - آقای زوار

زوار - حق ۹ از ماده ۸ میفرماید: اشخاصی که پروانه درجه اول وکل عدلیه و ادارا باشند می‌توانند بر دفتری درجه اول انتخاب شوند در صورتیکه در فقره ۳ از ماده ۷ وکل در عدلیه را متناهی شمل سر دفتری دانسته و این حق ۶ یا آن حق ۳ ماده ۷ مخالف است بنده خواستم این را توضیح بدهند.

مجتبر - عرض کنم شرایط وکل درجه اول عدلیه چون اخیرا قانونش تصویب شده البته خطای مجرم آقایان هست که يك شرایط بالاسه به شکل برای از حبت سابقه

با از دانشکده علوم معقول و منقول در خدمت منقول با دارای تصدیق اجتهاد از مراجع تقلید باشند یا یکسال آزمایش مطابق نظامنامه وزارت عدلیه.

لایح رییس - آقای علی

علی - بنده تصور میکنم آقای وزیر عدلیه در این قسمت هالی که ما راجع باین قانون صحبت میکنیم خودوقت باشند برای اینکه يك قانونی است که اساس معاملات مملکتی روی این قانون بسته میشود پس آقای وزیر عدلیه هم خیال میکنند خوشحال باشند که چه از این عبارتی که در جواب آقای دکتر طاهری فرمودند که من بغیر اسم این اختیارات را من همچو خیال میکنم که يك قدری به این اسم سخت آدم این مایرانی که آقای دکتر طاهری گفتند من همچو خیال دارم ولی بقی دارم که اینها من نظر نمی‌کنم مثل ما برای شور است و هیچوقت از يك همچو چیزی دلتنگ نفرموده شد. در این قسمت ۳ باز حرف بنده تکرار میشود و درش اشکال دارم کاسیکه در حین اجرای این قانون لااقل پنجسال سابقه صدی دفتر استاد رسمی داشته باشند. ما مدعیان شاید اشخاصی باشند که بواسطه وراثت و ذکوات بقول آقای تقلید به تشریفات زود تر نشانی میشوند پنجسال شما اینجا می‌توانید که باید سابقه صدی داشته باشند ولو در جواب بنده خواهید گفت که اگر این را کمتر قرار دهم ممکن است که این مانوس به تشریفات تنظیم استانده باشد ولی در پنجسال بقی بمانش مانوس شده در صورتیکه بنده اینطور تصور میکنم اشخاصی که می‌توانند و دفتر آنها داده میشود در دو سال و سه سال به تشریفات دفتر استاد رسمی آشنا میشود باین ترتیب بنده اینجا هم اینطور پیشنهاد کردم البته مجبور نیستم کمیسیون که اشخاصی که در حین اجرای این قانون (که قسمت سوم است) در دو سال سابقه صدی استاد رسمی و دوسال سابقه اختیارات داشته باشند برایشان پیشنهاد می‌کنم اینک به تشریفات دفتر استاد رسمی مانوس شده باشند بنده دوسال سابقه دفتر استاد رسمی و دوسال سابقه اختیارات برای آنها لااقل شده ام و امیدوارم همراهی شود.

لایح رییس - پیشنهادات قرائت میشود: بنده پیشنهاد میکنم قسمت ۳ از ماده ۸ بطریق ذیل اصلاح شود: اشخاصی که از مراجع تقلید دارای تصدیق اجتهاد میباشد با سه سال تصدی بدقت استاد رسمی یا دوسال سابقه اختیارات. عرائی.

پیشنهاد میکنم در ماده ۹ کلمه مدرس و مفتی در خدمت و اضافه شود. **حیدری** - ماده هم مطرح است.

لایح رییس - ماده هم مطرح است.

(بقریب بقرین خوانده شد)

ماده ۹ - اشخاص ذیل ممکن است بد و بر سر دفتری درجه اول انتخاب شوند.

۱ - کسانی که دارای دانشنامه از درجه لیسانس یا بالاتر علم حقوق هستند یا دارای دانشنامه لیسانس از دانشکده علوم معقول و منقول در خدمت منقول هستند یا از مراجع تقلید دارای تصدیق اجتهاد میباشد و قبل از اجرای این قانون سابقه صدی بدقت استاد رسمی داشته اند.

۲ - اشخاصی که سه سال متوالی یا چهار سال متناوب خدمت قضائی کرده باشند و سلب صلاحیت قضائی از آنها نشده باشند

۳ - کاسیکه در حین اجرای این قانون لا اقل پنج سال سابقه صدی دفتر استاد رسمی داشته باشند.

۴ - اشخاصی که دارای دانشنامه لیسانس در علم حقوق

وزیر عدلیه - همانطور که آقای عراقی فرمودند بنده غلبه خوشوقت میبشود از این مذاکرات برای اینکه جنبه بحث و عدل داشته باشد و بیان بنده هم راجع به قسمت هفت مبنی بر کدورت و دلتنگی بود فقط چون موضوع مربوط به شخصی بنده بود در اینجست هفت و وضعت هم این بود که در لایحه که تقدیم کرده بودم این موضوع پیش بینی شده بود و کمیسیون این نظر را گرفته بود که اینطور باشد یعنی اختیار به بنده داده شود این بود که بنده ساده و صاف عرض کردم که من مطالب این اعتبار بزرگم و کمیسیون این را در نظر گرفت و ابدا مفسوم نمانم که اظهار کدورتی کرده باشم اما راجع باین ایرادی که آقای عراقی فرمودند نسبت به شق سوم کتابم یکم که اگر خودشان درست وقت فرمایند اگر چه در کمیسیون مذکور خواهد شد ولی این قسمت وضعت متضاد با قبل را سخت تر خواهد کرد چون ما بین آقایان صاحبان دفاتر کتابیکه سابقه فائزات دارند کم داریم ولی سابقه عملی صدی دفتر زیادت در داریم و اگر موضوع دو سال سابقه فائزات باشد شامل هیچکس نخواهد شد و اینهم راجع به است که در درجه علمی ندارند و البته تصدیق میفرمایند که یکیکه اطلاعاتی از فقه و اصول نداشته باشند - با فائزات حقوق را ندیده باشند استاضات از قوانین مدنی و تجاری و معاملات را نمیدانند بکنند و آنها به چیزی نیست که با یکی دو سال بشود استفاده کرد و آنها را فرا گرفت البته ندانستن یکدرجه علمی را باید یک صدی مهندسی که عملا اطلاعاتی تحصیل نموده باشند چنان نمود و خیال میکنم اگر پیشنهاد ایشان قبول شود بر سرر متضادیت دفتر خواهد بود

لایح رس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده اینجا در انداخته و نظری دانستم راجع باین کلمه بدتر زیرا بدو یکم بعداً هم باید داشته باشد و بعداً این بدو چه میشود و بعد هم راجع باین اشکالی بود که آقای دکتر طاهری فرمودند که جوابی داده نقد و آن راجع

راو اینکه دارای درجه اجتهاد میباشند پنجسال سابقه خدمت داشته باشند بنظر بنده آنها باید برود بیروت این را باید اصل قرار میدید یعنی تقوی و امانت و وضاعت را و بقی دیگر را باید گذارد کنار و آنها به نظر آقای وزیر عدلیه باشد که البته نظرشان بنظر اصلاحی است و با این نظر اعتمادی که نسبت به ایشان هست و ما به امیدواری کامل است باید آنرا چسبید و بقیه را گذاشت کنار که یکیک پنجسال آدم بدی بوده حالا دیگر بقی بماند

وزیر عدلیه - از مذاکرات آقای اعتبار بنده تشکر میکنم و به ایشان اطمینان میدهم که در موقع تنظیم این مواد تمام این تکراریهای جای ایشان را در نظر داشتیم و وسائلی پیش بینی کرده ایم که از مجموع این مواد تکرارهای ایشان مرتفع شود به علاوه در اینجا اگر آب وقت فرماید من در ماه ۸ و ۹ و ۱۰ نوشته ام ممکن است و نوشتم باید. نوشتم ممکن است اینطور بشود و بقیه کلمه بدو هم در مقابل شرایط ترفیمی است که در مورد دیگر خواهد آمد برای اینکه یک اشخاص درجه سوم هستند و بعداً ترفیع پیدا میکنند و درجه دوم را در مییابند این بدو برای این است که بدون ترفیع و در ابتدای امر این درجه را پیدا کنند به علاوه در این جا پیش بینی نموده است که یک کمیسیون برای تطبیق وضعت آلبانی که فعلاً متصدی دفاتر استاد رسمی هستند تشکیل خواهد شد که آب کمیسیون رسیده می خواهد کرد و حق تجدید نظر قائل شده ایم بر اینست و این کمیسیون اعتبار سابق را در نظر خواهد گرفت و آن نظریات آقای اعتبار را که اگر یک اشخاص دارای سابق بدی باشند ملاحظه خواهد کرد و آنها را امید قبول این مواد قرار نمیدهد بعد ترتیب محاکات انتظامی پیش بینی شده تدریجاً تمام پیش بینی شده تمام این امور است که امیدواریم تدریجاً باین شود و منظور آقای اعتبار در ضمن اجرای این قانون تدریجاً عملی شود و الا اگر بخواهم یک مرتبه یک تصمیم ششیدی بگیرم ممکن است خط و خطانی پیش بیاید

ولی با این وسائل ممکنه که پیش بینی شده است وقتی باین قانون خاتمه داده شد خدمت دفتر یک شخص سابقاً دیگر بازگشت نخواهد داشت ولی وضعت قبل از این بود این طور بود که یک کسی ممکن بود رد بشود و بعد از مدتی باز تفتیش میکرد و بر میگشت ولی با این قانون اگر رد شد دیگر بازگشت نخواهد کرد

لایح رس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده میخواستم از احوال ارتباطی که با این قانون دارد یک قسمتی را به آقای وزیر عدلیه عرض کنم وقتی که قانون استخدام میکشد اگر در آن قانون شرط ۱۲۹۹ را قائل نشده بودند اینهمه اسناد خدمتی مورد برای یک شخص است که نه ایالت و نه سابقه خدمت داشته پیش آمده نمیکرد و البته خاطر محترمانه - بوقی است که بالاخره اشخاص اسناد خدمت صادر کردند برای رتبه هفت و نه درجائیکه حقیقتاً لیات اینکه رتبه یک و دو استخدام را داشته باشند نباشند و برای این بود که در آن قانون قید شد که هر کس در فلان تاریخ هر حقوقی گرفته آن را ملاک رتبه او قرار دهند و روی این قسمت یک عده اشخاص که هیچوجه ایالت نداشته باشند وارد در کارهای دولت شده و از صندوق بقاعد هم پولهای گزافی گرفته شد و بنده چون میدانم که آقای وزیر عدلیه بکراتی این است که قوانین و امور با یک مبنای صحیح داشته باشد بنظر بنده همانطور که آقای اعتبار تذکر دادند باید شرایط را جنبه علمی و تقوی برای این اشخاص قائل شویم با اختیارات بنحس حضراتی و البته اشخاصی که پنجسال یا سه سال یا هشت سال تصدی بوده اند و سابقه انتظامی هم نداشته اند ولی واقعاً آسپوری که باید دارای معلومات نبوده باشند با آسپوری که باید طرف اعتماد باشند و ولی خوب شکایتی ازشان نهد و امور با سهل انگاری گذشته وقتی که این شرط را قائل شدیم که پنجسال باشند سال یا بیشتر سابقه تصدی داشته باشد و فضل و تقوی را شرط قائل شدیم سبب میشود که خود حضراتی باز ناچار میشوند (مثل

و بنده خیال میکنم حتی اگر فرمودند که آدم بناردم
 اختصاص بناردم چه بناردم آقای وزیر هم عجله نداشتن
 می فرمودند بناردم این بیان شکل که ایستاده اگر کم دارم
 بنده و متوسطه را هم در نظر میگرفتند و اگر از اینها هم
 انتخاب میدادند ترجیح میدادم باین چند نفری که گفت
 خودم و آنچه است و بنده و آنچه است و بنده و آنچه است و بنده و آنچه است
 این است که حقیقت این بر هر کس که نگاه وادی است و نادید
 حقیقت و شرافت مردم در این جا که این را این را حقیقت
 الا نکلیا بک خیال را حقیقت و فراغ خیالی باید مردم را حقیقت
 کنند و بروند و بنظر بنده دیگر باین جهت عارف این
 جا مورد ندارد که قانون آدم استغفار خوب آدمی است
 شخص خوبی است ولی این جور هم هست اگر چه بنده با
 این توضیحی که آقای وزیر علیه دادند قانع شدم و
 به خواستم عرض میکنم و امیدوارم همانطور که خودشان
 فرمودند موفق به اصلاح بشوند ولی حقیقت مطلب این است
 که این نفری که از ما دعوت را باید گذاشت چاره و باید
 که بگویند هم تشکیل داد و این اختصاص را هم آورد و صرف
 نظر هم کرد که ایستاده و آنچه است و بنده و آنچه است
 و جهت سال و متوسطه و پنج سال متوسطه و آنچه است
 در جهت مراقبت و دولت قرار داد و این کار را بیک اختصاصی
 و انکار کرد که از هم جهت بتوانند دفتر استاد رسمی را
 اداره کنند و این کار را به شان داد و بنده و متوسطه شد که
 این کار درست میشود و الا با این صورت ممکن است بک
 و باین و آنچه است که بداند هم خودشان و آنچه است
لایحیه - پیشنهادی رسیده است فراتر میشود.
 بنده و بخواهد میکنم قسمت دوم از ما هم در نظر باین
 اصلاح شود
 کسانی که در چنین اجرای این قانون دو سال سابقه
 بعدی دفتر استاد رسمی و دو سال سابقه قضات داشته
 باشند عراقی
لایحیه - ما دو هم فراتر میشود.
 ما دو هم - اختصاص قبل ممکن است به سمت دفتر باری

دفتر خانه یا محل اقامت او اصلاح نماید
لایحیه - ما دو هم فراتر میشود.

ما دو - هرگاه تقاضا کنند اسامی قضایی مذکور
 باید مراب وزارت عدلیه کارائی میشود که پس از دستور
 حکم پروانه صادر گردد و در صورتیکه اسامی باین نباید
 با تقاضای آن مردم شده باشد می تواند در ظرف مدت ده
 روز پس از ابلاغ و در وقت تعیین بکند بوی که اضافه آن را
 وزارت عدلیه تعیین خواهد بود اعتراض کنند این اعتراض
 در دو مرکز مستقر بکند بیرون و در ولایات بازداره ثبت محل
 داده میشود و اداره مزبور مکلف است مرخصی را با قاضی
 مورد بکند بیرون ارسال دارد

لایحیه - ما دو هم فراتر میشود.

ما دو - کمیون بهجات اختلاف رسیدگی ندارد
 رأی قضایی خواهد داد - رأی مزبور قابل تجدید نظر
 نیست.

لایحیه - ما دو هم فراتر میشود.

ما دو - سر دفتران و دفتر باین قبل از اذعان باید
 سوگند بدارند.

لایحیه - ما دو هم فراتر میشود.

ما دو - هر سر دفتر قبل از گرفتن پروانه باید به بزرگان
 محرفه قبل خاندن معتبر بداند.

سر دفتر درجه اول ۱۰۰۰۰ ریال

۲ ۱۰۰۰۰

۳ ۲۰۰۰۰

لایحیه - آقای اعتماد زاده

اعتصاب - بنده بک سئوالی در این ماده داشتیم
 که در ما دو نوشته شده است اختصاصی که بنده میفرمود
 استاد رسمی بوده اند در موقع اجرای این قانون می توانند
 سر دفتران و ولی در این ماده نوشته شده است که باید خاندن
 بدوند با پروانه یا بدوند میخواستیم سئوال کم آب کسی
 هم که جالس در فراتر آید باید خاندن بدوند تا پروانه جدید باز
 بدوند یا غیر؟

دفتر خانه یا محل اقامت او اصلاح نماید
لایحیه - ما دو هم فراتر میشود.

ما دو - هرگاه تقاضا کنند اسامی قضایی مذکور
 باید مراب وزارت عدلیه کارائی میشود که پس از دستور
 حکم پروانه صادر گردد و در صورتیکه اسامی باین نباید
 با تقاضای آن مردم شده باشد می تواند در ظرف مدت ده
 روز پس از ابلاغ و در وقت تعیین بکند بوی که اضافه آن را
 وزارت عدلیه تعیین خواهد بود اعتراض کنند این اعتراض
 در دو مرکز مستقر بکند بیرون و در ولایات بازداره ثبت محل
 داده میشود و اداره مزبور مکلف است مرخصی را با قاضی
 مورد بکند بیرون ارسال دارد

لایحیه - ما دو هم فراتر میشود.

ما دو - کمیون بهجات اختلاف رسیدگی ندارد
 رأی قضایی خواهد داد - رأی مزبور قابل تجدید نظر
 نیست.

لایحیه - ما دو هم فراتر میشود.

ما دو - سر دفتران و دفتر باین قبل از اذعان باید
 سوگند بدارند.

لایحیه - ما دو هم فراتر میشود.

ما دو - هر سر دفتر قبل از گرفتن پروانه باید به بزرگان
 محرفه قبل خاندن معتبر بداند.

سر دفتر درجه اول ۱۰۰۰۰ ریال

۲ ۱۰۰۰۰

۳ ۲۰۰۰۰

لایحیه - آقای اعتماد زاده

اعتصاب - بنده بک سئوالی در این ماده داشتیم
 که در ما دو نوشته شده است اختصاصی که بنده میفرمود
 استاد رسمی بوده اند در موقع اجرای این قانون می توانند
 سر دفتران و ولی در این ماده نوشته شده است که باید خاندن
 بدوند با پروانه یا بدوند میخواستیم سئوال کم آب کسی
 هم که جالس در فراتر آید باید خاندن بدوند تا پروانه جدید باز
 بدوند یا غیر؟

مجلس - اختصاصی که قبل از سر دفتر هستند جهت نظر
 کمیونی با این قانون و جهت شان تطبیق میشود.

لایحیه - آقای دکتر طاهری
دکتر طاهری - بنده سئوالی این ماده نوزدهم و خواهش
 سئوال کنم در موردیکه برای این کار تحصیلات و تجربیاتی
 لازم است و بک شرایطی هم در قانون دارد برای اختصاصیکه
 تصدی میشود که قضایی داشته باشند و سئوالی داشته باشند
 دیگر در این ماده آنهم خاندن مالی ضروری ندارد چون
 ممکن است شرایطی را واجد باشد اما خاندن نداشته باشند
 و این اصل نیست در صورتی که مجازا می که برای خان
 و این میشود لازم نیست مجازات شدی باشد منزل است
 جس است و توفیق است همه چیز است این است که بنظر
 بنده با باید کثیر کنند وجه الخدمان را با اصلاً نباشد.

وزیر عدلیه - ملاحظه فرمودم ایند که در یکی از مواد
 اول قانون داریم که سر دفتران و باین و باین و باین و باین
 یعنی وابسته تقریباً مستخدم و مثل مستخدم است حالا این
 شرایط مالی برای این در دولت است ولی تقریباً باشند
 مثل مستخدم می باشند مثل مستخدم صاحب جمع باشند
 و اینها به ارباب جمع شان است و اینها به ارباب جمع شان
 این است که اگر از ما ملایکی که اینها میکنند ضروری و آنچه
 صاحبان و ما به شود صرف نظر کنیم ولی باینها به ارباب جمع
 میشود و باین دولت در دولت است و اینها در بک واقع
 یعنی باید حساب باین خان را بدوند و روی قوانین مالی
 و مقررات این نوع و مستخدم و باین و باین و باین و باین
 کرد چون اگر بنا باشد پول باین دولت از بین بروی
 دستور خواهد بود و متأسفانه ما نتوانستیم بزرگان شانت را
 خیلی پیش از اینها کنیم برای تعیین حقوق اختصاصی که
 و ما به میکنند چون بسیاری از موارد پیش آمده است که از
 خطب این صاحبان و باین بک زبانی می توجه اصحاب و ما به
 و سبیله برای جبران ضرر شان نداشته اند و الا این
 و سبیله را در نظر گرفته ایم که بتوانیم در مقابل بیری که از
 طرف مالیه باین به باین و باین و باین و باین و باین و باین
 باشیم (صبح است)

لایح دلیس - ماده بیستم فراغت میشود.

ماده ۲۰ - با احرار شرایط ذیل سر دفتر و دفتر بنابر میخوانند از درجه پایینتر به بالا ارتقاء یابند.

۱ - توفیق در رتبه چهارم سه سال و دو سال و در رتبه دوم و اول سه سال.

۲ - حسن انجام وظیفه و کمال عالی که در ماده (۳۲) این قانون مقرر است.

۳ - ثبات علمی و عملی.

۴ - نداشتن محکومیت انتظامی از درجه سه بالا.

بجز - ادعای محکومیت موقوفه ۱ الزاماً ۱۰ میباشند یکسال توفیق در رتبه ۲ برای ارتقاء رتبه کافی است.

لایح دلیس - آرای ذور

لرانی - بنده اینطور تصور میکنم که این ماده بیست مخالف قانون استخدام باشد چون وزارت عدلیه میفرماید

پس قانون جدیدی هم همین کند برای مستخدمین خودی چون اینجا میگوید با احرار شرایط ذیل سر دفتر و

دفتر بار میخوانند از درجه پایینتر به بالا ارتقاء یابند یعنی مالولی قانون استخدام میخوانند پس رتبه و ترقیبی

بآنها میدهند و این را بنده ختم دیگر اینکه اینجا میگوید که نداشتن محکومیت انتظامی از درجه ۳ بیلا این هم

یعنی ندارد یعنی از درجه ۳ پایین داشته باشد میخوانند و ملا محله فرمودند میگوید: نداشتن محکومیت انتظامی

از درجه سه بیلا یعنی اگر درجه دو شد میخوانند دارای این مقام باشد ولی البته مقصود اینطور نبوده است و ترقیبی

طریقی نظامی این مواد بود و در اصل این بود خواست ترقیبی بود که اگر مقصود این نبوده است این را اصلاح فرمایند.

مخیر - بنده میخوانم تصدیق کنم که این عرضی که میکنم عبارت آخری این ماده است ولی اشکال اساس

آنها را نمیدانم که در کیاست و چیست (زورار) - گوش دادیم - خاندن لایسندگان (ازلا) محکومیت انتظامی از درجه

سه بیلا بنده با محبت نظیر است اگر کسی جرم میفری

کرد که مستلزم محکومیت از درجه سه بیلا شد و چون

این میشود که این شخص ترقیبی و ترقیبی پیدا کند ولی البته آن مجازات در مورد اجرا میشود نه این است

که از حکم محکمه انتظامی فقط به مجازات تعلیق یا افسال وقت باشد و این معنایش این نیست که این آقا در اینجا

بباید همینطور و آن مجازات اجرا نشود غیر آن مجازات اجرا میشود و این انبانی هم اجرا میشود ولی این

سابقه محکومیت باعث این میشود که این آقا بهر حال

بلا لاری ترقیبی پیدا نکند و متذکر هم بچای دیگری ندارد و اگر اشکال دیگری هست ممکن است بفرمایند نا جواب عرض کنم.

لایح دلیس - آرای ذور

لرانی - بنده از آرای مخیر بهتر نقاشا میکنم که کمالاً برض بنده توجه بفرمایند. قانونی که ما می نویسم برای

عرب است و باید طوری بنویسیم که عامه از آن استفاده کنند عرض کنم که این چنانچه باآورم که یکی از قدمای فنیوخ

که واضع بود خود نشان عرض کردم که آقا باطوری که عوام فهم باشد و معطای بفرمایند و ههکذا آقا وقت بالای منبر و گفت

حتنه بیاوریم و معطای سوم است این درست است ولی عوام معنی این را نمی فهمند و حالا هم بنده اینجا قیاس فرمایم

که فرمودند ولی باید طوری بنویسیم که عبارت قانون را هم بفهمند و این طریقی بطن الشاعر باشد این عبارت که نوشته

شده است محکومیت انتظامی از درجه سه بیلا نداشته باشد یعنی چه ۴ یعنی میخوانند که از درجه دو پایین اگر

محکومیت داشت می تواند به مقام بالاتری ارتقاء پیدا کند ولی باید طوری نوشته شود که عامه بفهمند و این را یک

قدری واضح تر بنویسیم برای اینکه این عبارت که گفته است و این معنی را می رساند

مخیر - مقصود همین است که آقا فهمید و فرمودند بنابرین کافی است. (خنده لایسندگان)

لایح دلیس - ماده بیست و یکم فراغت میشود: ماده ۲۱ - اعضای کمیسیون ترقیبی رتبه را وزیر عدلیه

انتخاب می نماید.

لایح دلیس - ماده بیست و دوم:

فصل دوم - در تشریفات دفتر خانه و کلان سر دفتران ماده ۲۲ - دفتر خانه مجلسی است که سر دفتر برای اجام

کار و وظائف دفتری خود تعیین و بداره ثبت و محل و اداره ثبت اسناد مرکز اطلاع میدهد. سایر شرایط دفتر خانه

و اوقات کار طبق نظامنامه وزارت عدلیه خواهد بود.

لایح دلیس - آرای عراقی

عراقی - این جا میفرمودند دفتر خانه مجلسی است که سر دفتر برای انجام وظایف و کار خود تعیین و بداره ثبت و محل

و اداره ثبت مرکز اطلاع میدهد این چنانچه خیال میکنم که همان بداره ثبت محل خودی اطلاع میدهد کافی است

و الا این يك نصیری میشود برای او که بداره ثبت مرکز اطلاع بدهد و در ولایات هم این قسمت يك کار مشکلی

است و همان به ثبت محل شان بنویسند و اطلاع بدهند کافی است و خود ثبت محل بر مرکز اطلاع خواهد داد.

برای سهولت این طور بهتر است بفرموده. **مخیر** - البته هر چالی که قانون تعیین میکنند که بایستی

بنویسد بهتر است و ههکذا اگر پیشنهاد بفرمایند روی نظرتان قیابید در کمیسیون بحث شود بهتر است.

عراقی - پیشنهاد کرده ام

لایح دلیس - ماده بیست و سوم فراغت میشود: دفتر خانه باید دارای دفتر ذیل باشد

۱ - دفتر ثبت اسناد که سرب شده و اسناد در آن ثبت میشود و در هر دفتر خانه نوشته است.

۲ - دفتر نماینده متعاملین متضمن اسامی متعاملین و تریج معامله و سایر خصایص آنها.

۳ - دفتر عایدات که برای ثبت حق التحریر و بخارج دفتر و مشاوره قبض مقرر است.

۴ - دفتر گردش امور

۵ - دفتر ثبت مکاتبات دفتر خانه و نظامنامه اجرای و ادراک صادره

لایح دلیس - ماده بیست و چهارم فراغت میشود

ماده ۲۴ - دفتر کار کسی است که سبب دعوت دفتر خانه

را داراست و مطابق نظامنامه وزارت عدلیه از طرف سر

دفتر پیشنهاد و تصویب وزارت عدلیه تعیین میشود.

لایح دلیس - آرای عراقی

عراقی - بنده خواستم به بیانم که دفتر باری که اینجا معرفی شده است مراد همان نماینده ایست که اداره ثبت

الان هم به حاضر و دفتر اسناد رسمی میفرستد یا اینکه این نماینده هست و بعد هم يك دفترتار تعیین میکنند؟

مخیر - دفتر نماینده رتبه همان بهر توارست که يك ادوی را با حروف نجیبی تنظیم میکنند و دفتر نماینده

مخصوص عنوان دیگری است که در مواد بعد توضیحش را عرض میکنم

عراقی - خبر دفتر را عرض میکنم دفتر بار را عرض میکنم که عرض همان نماینده ایست که حالا میفرستند به

دفتر یا غیر از آن است؟

مخیر - نه خبر آن يك کسی دیگری است که در مواد بعدی تریج خواهد شد.

لایح دلیس - ماده بیست و پنج فراغت میشود

ماده ۲۵ - سر دفتران مسئول اعمال دفتر داران خوددین هستند مگر در مواردی که سر دفتر بر عهده رفته و یا

غیبت او بر اثر مرضی که مانع از انجام وظایف است باشد این ماده رابع مسئولیت شخصی دفتر داران در حدود اعمال

آنها نخواهد بود

لایح دلیس - ماده بیست و ششم

ماده ۲۶ - يك نفر سر دفتر نمیتواند در آن واحد منصوب و دفتر خانه باشد

لایح دلیس - ماده بیست و هفتم

ماده ۲۷ - وزارت عدلیه در تقاضای که بخواهد بداران کلان سر دفتران تشکیل خواهد داد - کاون دزور دارای

شخصیت جاری و از جهت عواید و بخارج مسئول و از نظر نظامات تابع وزارت عدلیه است.

لایح دلیس - آرای ذور

روار - خواهش میکنم توضیح بفرمایند آقای مخبر که این کارایی که در ماده ۲۲ نوشته شده است چه وظایفی را انجام میدهد؟

مخبر - در مواد پندی میباشد.

ولیفر عسلی - در ماده ۲۸ نوشته شده است ملاحظه بفرمایند.

لایح - ماده بیست و هشت

ماده ۲۸ - وظائف کانون سر دفتران برقرار ذیل است
۱ - تهیه دفتر باران برای سر دفتری و فراهم کردن موجبات ترقی علمی و عملی سر دفتران درجه دوم و سوم
۲ - راهاندازی و کمک باشخاص بی بضاعت برای نظام و ثبت اسناد آنها.

لایح - ماده بیست و نهم

ماده ۲۹ - کانون سر دفتران بوسیله هیئت مدیره مرکب از سه اهل نظر سر دفتر درجه اول که با انتخاب وزیر عدلیه منصوب میشوند اداره میشود مگر آنکه در محل بانداز کافی سر دفتر درجه اول نباشد که در این صورت از سر دفتران درجه دوم برای تکمیل انتخاب میشوند.

لایح - ماده سی و قرائت میشود

ماده ۳۰ - دوره تصدی اعضا هیئت مدیره دو سال است
لایح - ماده سی و یک.

ماده سی و یک - عایدات کانون سر محل به صرف کانون آن محل خواهد رسید.

لایح - ماده سی و دوم قرائت میشود:

ماده ۳۱ - سر دفتران مکلفند همه ساله تا قبل پنج سده بدون گرفتن حق التصریر برای اشخاصی که از طرف کانون معرفی میشوند تنظیم و ثبت نمایند.

لایح - ماده سی و سوم

ماده ۳۲ - کسانیکه قدرت تادیه حق التصریر دفتر خات را ندارند میتوانند از کانون تقاضای کمک نمایند. ترتیب تقاضا و انجام آنرا وزارت عدلیه و در چپ نظام نامه تعیین خواهد نمود.

لایح - ماده سی و چهارم

ماده ۳۴ - سر دفتران درجه اول حق صدور رونق اجرائیه دارند و ادواری مزبور برای حمایت اجرائیه مستقیماً بدو ائمه اجراء میفرستند و سر دفتران درجه دوم و سوم در صورتی میتوانند ادواری اجرائی صادر نمایند و مستقیماً بآلایه اجراء بفرستند که چنین اجازه از طرف وزارت عدلیه بگنجای داده شده باشد و الا باید ادواری مزبور بتصدیق رئیس ثبت محل رسیده و بدو ائمه اجرائی فرستاده شود.

لایح - ماده سی و پنجم

دکتر طاهری - بنده عقیده ام این است که این ماده ۳۴ اگر بمبیین طریق بانی باشد مخالف فلسفه ثبت اسناد است باین تفکیکات و این افزود و این شرایط اگر چنانچه اسنادی که تنظیم میشود ترتیب اثری در اجرائی داد ندارد مورد ندارد. درجه بندی که میشود برای این است که این شخصی که سر دفتر درجه سوم است نمیتواند معاملات بیش از آن حد تصاب را بکند ولی تا اینکه تصاب باین حد نرسد آن یکی مثل من باشد و الا این تفکیکات و این شرایط لازم نبود مثل سابق میرفتند و پنج ریال میدادند و یک سده درست میکردند و اگر بعد مرافعه میشد بعد به رجوع میکردند. این تفکیکات و این شروط برای این است که تأثیری داشته باشد و فرایند ثبت اسناد و املاک که بهترین چیز حالت و کسی انکار ندارد از بین نرود و الا در صورتیکه سایر دفتر اسناد خان لازم الاجرا نباشد و نتوانند آن دفاتر که ثبت میکنند رونق اجرائیه صادر کنند این دلیل سستی ثبت میشود و مثل این میشود که این تفکیکات بیبرده است و تأثیرم که شرط کرده اند باید بتصدیق رئیس ثبت رسیده همه جا که رئیس ثبت نیست در قراء و قضایی که دفاتر درجه دوم و سوم هست و حد تصاب باین است اینها کجا میتوانند بروند پیش رئیس ثبت به ثبت برسانند بنظر بنده اصلاً نباید در تفکیکات طبقه بندی شود ولی هر جا هر چه هست حکمتی یکی باشد مثل اینکه استثنای چند درجه دارد ولی همه استثنای است یا بدایت یکجا و بیه این پنج است یکجا

شش یک خاصیت و از نظر نظریه ثبت محل آنجائی که مهتر است درجه هشت میکنند و در جایی که کم اهمیت است درجه چهار یا پنج ولی هر دو یک حکم دارند و در اینجا هم باید درجه بندی بود ولی تأثیر حکم درجه دوم و سوم همان تأثیری باشد که در دفتر درجه اول هست منتهی بیکونند آنرا بر بایسد همان بیشت به عنوان معامله کلی تا پنجپنجاه ریال همان اثر را دارد که آن دیگری که تا یک میلیون و پانزده معامله کند دارد عقیده بنده این است که اگر این امر رعایت نفوذ فلسفه قانون از بین نرود.

ولیفر عسلی - این ماده ۳۴ یکی از مهمترین مواد این قانون است و اگر درست بشود بجهت پند آگاهی دکتر طاهری توجه بفرمایند تصدیق خواهند کرد که این ماده نه فقط اعتبار اسناد رسمی را از بین نمیدهد بلکه اسناد رسمی را بر عکس خرابی میکشد. این لایحه از روی تجارت این چند ساله نوشته شده و تا اندازه که در عمل ما بدون داشتن این قانون مدلول این ماده را عمل میکنند ببقیده بنده اصل معنی سند رسمی را با درست نفهمیده اند یا اینکه خواسته اند از حق سوء استفاده کنند این سند رسمی چند خاصیت و چند اثر دارد یکی اینکه ثبت به تازمیش ثبت به متشخص است به خاصیت ثبت به تازمیش هیچ نمیشود تردید کرد یعنی از حیث صدور مقام است مگر اینکه ادعای چمایش بشود ولی از اینکه بگذریم دیگر معنی سند رسمی این نیست که هر نهاد مدعی و بقیده باید اجرا شود شما سند رسمی میدهد که لایان مبلغ را در مقابل انجام فلان کار میدهد این را یک صاحب دفتری رونق اجرائیه صادر کند قابل اجرائه؟ باید اجراء کرد که آیا این شرط تعقیق پیدا کرد است یا نکرد این این را باید بکنفر قاضی محکم تشخیص بدهد که شرط تعقیق پیدا کرد است یا نکرد معطابق و از این قانون مدعی باید قاضی بدوی رسیدگی کنند قاضی استثنای رسیدگی کنند قاضی نیز ابرام کند تمام اینها را نمیشود و انکار کرد یک صاحب دفتری که در شرایط اشخاص ما مردود داریم

برای صاحب سند نتیجه ندارد پس از این حیث اشکال ندارد موافقت بفرماید چون این ماده یکی از مهمترین و بهترین مواد این لایحه است و بنده انتظار و اعتقاد دارم که با اجرای این ماده وائلاً اعتبار اسناد رسمی بحکم شود و این سه تدبیر ها و سه اعمالهائی که نسبت باجرباها ما شده است از طرف صاحبان دفاتر و نا اندازه اعتبار اسناد رسمی را متزلزل کرده است از بین برود و اینکه حالا رجب بدهند مردم که برای صدور اجرائیه شان به حکم مراجعه کنند و بعد دچار این اختلافات و این اشکالات نشوند که آیا مسئله نظری قضائی است یا نیست و خودشان بهتر میدانند که مستقماً به حکم مراجعه کنند برای همین نکته است که کسی تا بحال متوجه نشده بود باین نکته که بایستی برای گذشت بین کلمات معنی و کلمات منجز و بنده امیدوار هستم که با این ماده این قضیه را بیکای از بین ببریم.

لایپ رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت میشود بنده پیشنهاد میکنم ماده ۳۴ حذف شود. معدل **لایپ رئیس** - ماده سی و پنجم فصل سوم - در تعقیب و مجازات انتظامی سردفتران و دفتر یاران

ماده ۳۵ - هر چه بازرسی و رسیدگی مقدماتی نسبت به تخلفات و شکایات واصله از سردفتران و دفتر یاران اداره امور ثبت اسناد است و محاکمه انتظامی آنست در حکم بدهل میاید مرکب از سه نفر عضو که از بین مستخدمین قضائی یا اداری و یا از سردفتران درجه اول و یا بطور مختلط از طرف وزیر عدلیه همسایه برای این منظور انتخاب میشوند. طرز رسیدگی مقدماتی و محاکمه انتظامی و تشکیل محکمه بدوی و تجدید نظر بموجب نظامنامه تعیین خواهد شد.

لایپ رئیس - ماده سی و ششم

ماده ۳۶ - در اولین شکایتی که از سردفتر یا دفتر یاری برسد و شکایت منجز در مرحله رسیدگی مقدماتی وارد

۳ - جزای قضائی از پنجاه الی هزار ریال
۴ - افضال موفت از سه ماه الی یکسال

۵ - تنزل درجه
۶ - افضال دائم

لایپ رئیس - ماده چهل و دوم
ماده ۴۲ - وزیر عدلیه میتواند در مواردیکه وقتسار و اخلاق سردفتر و یا دفتر یاری مناقشی یا حسن جریان امور دفتر خانه باشد بدون مراجعه به حکم انتظامی تا مجازات درجه ۴ در باره او اجرا کند و این مجازات قطعی است.

لایپ رئیس - ماده چهل و سوم
ماده ۴۳ - سردفتران نسبت به تعقیب انتظامی و تخلفات سردفتران و دفتر یاران دوسال از تاریخ وقوع امر مستوجب تعقیب یا از آخرین تعقیب انتظامی است.

لایپ رئیس - ماده چهل و چهار
ماده ۴۴ - وزیر عدلیه میتواند تا شش ماه پس از اتمام این قانون امر به بازپرسی شدن کار یا پرونده های شکوایه یا متخلف صاحبان دفتر اسناد رسمی که قبل از اجرای این قانون تنظیم کرده اند بدهد مشروط بر اینکه استر ضای خاطر شایکی را فراهم کنند

لایپ رئیس - آئین اعتبار
۴۵ - چیت چون بنده تقید نمیدم.

ولر عدلیه - سوابق و داریزهای زیادی داریم که عدله از صاحبان دفاتر بک شروه های زیادی صاحبان معاملات متوجه ساخته اند از نتیجه ساختن یا دیگران و از آنها شایکی هستند و برای اینکه نتیجه گرفته باشیم چون صرف تعقیب و مجازات آنها برای صاحبان معامله که نتیجه ندارد اینجا استند برای دفعه اول اعتباری که گرفته ایم که اگر وجو بات رضایت صاحبان معامله را فراهم کنند ما بتوابع پرونده آنها را بازپرسی کنیم یعنی از تعقیب آنها صرف نظر میکنیم.

لایپ رئیس - ماده چهل و پنجم
۴۶ - فصل چهارم - مقررات مختلفه

ماده ۴۷ - حکام محاکم عدلیه مکلفند در هر موردیکه

رای برین اعتباری سند رسمی میدهند مراتب را بوسیله ثبت محل به ثبت کل اطلاع دهند.

لایپ رئیس - ماده چهل و ششم
ماده ۴۸ - سردفتران و دفتر یاران مکلفند نظامنامه را که مربوط بخود یا کسانی که تحت ولایت و وصایای بایه بوث آنها هستند و با آنها قریب نسبی یا نسبی تا درجه چهارم از طبقه سوم دارند و یا در خدمت آنها هستند ثبت نمایند.

در صورتیکه در محل اقامت سردفتر یا دفتر یار دفتر دیگری نباشد یا حاضر در این مصالح با نمایند بار که سند همان دفتر خانه تنظیم و ثبت خواهد شد

لایپ رئیس - آئین عراقی
نوشته شده البته نسبت به اسنادی که برای احد متعاملین دارای قلع باشد این خوب است که بتوانند تنظیم کنند ولی ممکن است کسی بخواد پولی فرض کند سند نمی بدهد یا بیسی بکند آنوقت قریب نسبی او با صاحب دفتر مانع باشد از اینکه سندی را در آن دفتر تنظیم کند چرا چون آنچه را که ممکن است بیسی پیدا شود چنانی است که قریب نسبی آن شخص داشته باشد و نفی نسبت بخودش ضرر شود ولی اگر معلوم شد که سند بر ضرر قوم خودش است و این سند نسبت باین شخص متعامل ضرر دارد در این صورت چرا باید قریب نسبی مانع باشد که تنظیم سند کنند خوب است

آقای وزیر عدلیه در اینجا موافقت بفرماید فقط نسبت بایندهای که برای احد متعاملین دارای قلع است و با صاحب دفتر آن شخص اینطور قریب نسبی دارند نتوانند ثبت کنند ولی نسبت بآنهایی که دارای ضرر است چرا شواهد

مجری - این نکته که در اینجا قید شده در تمام قوانین هست و مطلب تازه نیست در اصول محاکمات حقوقی در موارد رد قضات ذکر شده در محاکمات جزائی ذکر شده در وکالت افتائی ذکر شده در جاهای دیگر همینطور این رعایت شده که مقاماتی که کار رسمی انجام میدهند جنبه بیطرفان محفوظ بماند و موهم طرفداری نشود اهم از اینکه این طرفداری جنبه مثبت و امانتی داشته باشد بلك وقت ممکن است نفع قوم خودی کار کرده باشد به نفع و قلی بقضا ببیند میشود در يك فایدهای دانش بیشتر از خارج قابل است ممکن است بشر او باشد و تجربه ثابت شده است که تمام اینها باید رعایت شود

لایب رئیس - ماده چهل و نهم

ماده ۴۹ - در مواقعی که سردفتر در مرض خاصی باشد و یا بواسطه مرض و امثال آن از انجام وظیفه معذور است دفتر بار عهده دار دفتر خانه خواهد بود.

لایب رئیس - ماده پنجاهم

ماده ۵۰ - سر دفتر و دفتر باران و بطور کلی تمام کارکنان دفتر خانه باید تمام اسرار ارباب رجوع و متعاملین را که بر اثر تنظیم یا ثبت از آن اطلاع حاصل کرده اند مخفی بدارند

لایب رئیس - ماده پنجاه و يك:

ماده ۵۱ - سر دفتران و دفتر باران حق ندارند از تنظیم و ثبت سندى امتناع نمایند مگر آنکه ملاحظه و یا ثبت آن مخالف با قوانین مملکتی باشد که در اینصورت باید کتباً بتقاضا کنند، علل امتناع را فوراً اطلاع دهند.

لایب رئیس - ماده پنجاه و دوم

ماده ۵۲ - حق التجربر دفتر خانه و سایر مخارج دفتری نباید از تعرفه که وزارت عدلیه تنظیم مینماید تجاوز کند و اخذ هر چه بپای بدون صدور قبضه رسمی با التماس بر تعرفه و همچنین قبول هرگونه شبی از متعاملین ممنوع و مستلزم مجرمیت از شغل خواهد بود.

لایب رئیس - ماده ۵۳

ماده ۵۳ - در صورتیکه سردفتر کناره گیری نکند باید در ظرف بیست و چهار ساعت از تاریخ کناره گیری به اداره ثبت محل اطلاع دهد و در مدتی که اداره ثبت تعیین مینماید کلیه دفتر و اسناد و اوراق مربوطه بدفتر خانه و همچنین حکم انصاب و پروانه هائیکه برای او صادر شده بطریق خاصی که اداره مزبور تعیین نموده تحویل بدهد و الا مجازات مندرج در ماده ۴۰ محکوم خواهد شد

لایب رئیس - ماده پنجاه و چهارم

ماده ۵۴ - در صورت فوت سر دفتر رئیس ثبت محل یا حضور مدعی العموم و در مقامی که بار کید باید باشد حاضر و امین و یا مأدوم صالح مکلف است دفتر و اسناد و اوراق مربوطه متوفی را مهر و موم نموده و اداره ثبت مربوطه را مطلع دارد و بدستور رئیس ثبت برای در اوردن صاحبان آنها تا تعیین جانشین اقدام نماید

لایب رئیس - ماده پنجاه و پنجم

ماده ۵۵ - وزارت عدلیه در هر دفتری که مقتضی بداند می تواند از تعیین نماینده مذکور در ماده ۸۹ قانون ثبت اسناد و املاک صرف نظر نماید

لایب رئیس - ماده ۵۶

ماده ۵۶ - سهیمه مندرج در ماده ۸۹ قانون ثبت اسناد و املاک مطابق تعرفه که از طرف وزارت عدلیه تعیین میشود بین سردفتر و دفتر بار تقسیم میگردد

لایب رئیس - رای میگیرم بوردرد شور قاضی آقابانی که موافقت اظهار موافقت بفرمایند (اکثر برخاستند)

صوبه شد

۴ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

لایب رئیس - اگر اجازه میفرمایند جلسه را ختم کنیم جلسه آیه یکتبیه بهم خبر داده است ساعت قبل از ظهر دستور لایح موجود

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

لایب رئیس مجلس شورای ملی - مرضی بیات

قانون

اصلاح مواد ۱ و ۳ قانون ازدواج

ماده واحده - مواد ۳ و ۱ قانون ازدواج منسوخ ۲۲ مرداد ۱۳۱۰ بطریق ذیل اصلاح میشود:

ماده ۱ - در قضایی که وزارت عدلیه معین و اعلام مینماید هر ازدواج و طلاق و رجوع باید در یکی از دفاتری که مطابق نظامنامه های وزارت عدلیه تنظیم میشود واقع و به ثبت برسد.

در نقاط مزبور هر مردی که در غیر از دفاتر رسمی ازدواج و طلاق مبادرت بازواج و طلاق و رجوع نماید به يك تا ششماه حبس تأدیبی محکوم میشود - همچنین مجازات درباره عاقلی مقرر است که در این نقاط بدون داشتن دفاتر رسمی اقدام با رجوع سیده ازدواج با طلاق یا ثبت رجوع نماید.

ماده ۳ - هر کسی برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی با کسیکه هنوز بن قانونی برای ازدواج رسیده است مزاحمت کند به شش ماه الی دو سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد و در صورتیکه دغیر بن سیزده سال نرسیده باشد لا اقل بدو الی سه سال حبس تأدیبی محکوم میشود و در هر دو مورد ممکن است علاوه بر مجازات حبس بجزای نقدی از دوازده هزار الی بیست هزار ریال محکوم گردد.

و اگر در اثر ازدواج برخلاف مقررات فوقه و ماده منتهی بنفس یکی از اصناف با مرض دائم زن کرده مجازات زوج از پنج الی ده سال حبس با اعمال شاقه است.

و اگر منتهی بملوث زن شود مجازات زوج حبس دائم با اعمال شاقه است.

عائد و خواستگار و سایر اشخاصیکه شرکت در جرم داشته اند نیز جهات مجازات با بمجازاتیکه برای معاون جرم مقرر است محکوم میشوند.

عائیکه این اشخاص را و از ارتداد علیه بمحاکم مخصوص که اصول تشکیلات و ترتیب رسیدگی آن بموجب نظامنامه معین میشود رجوع نمایند و در صورت عدم تشکیل محکمه مخصوص رسیدگی در محاکم عمومی بعمل خواهد آمد چون بموجب قانون ۲۹ فروردین ماه ۱۳۱۰ وزیر عدلیه مجاز است لایح قانونی را که به مجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده و پس از تأیید آنها در عمل نوائی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین را تکمیل نموده قاضی برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید علیهذا (قانون اصلاح مواد ۳ و ۱ قانون ازدواج) منقش بر يك ماده که در تاریخ بیست و نهم اردی بهشت ماه یک هزار و سیصد و شازده بشصوب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجرا است.

نواب ریاست مجلس شورای ملی

مرضی بیات - دکتر طاهری